

حال بیاییم به مشکل اصلی قیمت‌گذاری کتاب در ایران بپردازیم.

آیا استادان و قیمت‌گذاران ما با اصل فرمول قیمت‌گذاری موافق‌اند یا نه؟

اگر مخالف‌اند چرا و اگر موافق‌اند چرا؟ چه شاخص‌های ثابت و متغیر دیگری را در نظر دارند؟

آیا اصولاً می‌توان چنین مسئله‌ای را به دست تجربه سپرد؟

به دلایل زیر بعضی نگران سوءاستفاده از فرمول‌بندی قیمت‌گذاری هستند:

اگر قیمت‌گذاری تابع فرمول گردد به ناچار فرمت قیمت‌گذاری به صورت کار برگه تهیه و در اختیار قیمت‌گذاران قرار می‌گیرد. حال آیا می‌توان افراد غیر متخصص را از پر کردن این کار برگه‌ها منع کرد؟ آیا فروشنده با دسترسی به کار برگه و قیمت‌گذاری به ظاهر علمی، انتظارات بیشتری نخواهد یافت؟ آیا اگر تعداد بعضی شاخص‌ها در نسخه ملاک قیمت‌گذاری قرار گیرد، دست کاری در کتاب مایه افزایش آن شاخص‌ها نخواهد شد؟ مثلاً اگر بپذیریم طرح و جدول در کتاب ۱۰۰٪ به قیمت آن بیفزاید چرا صفحات کتاب سفید بماند؟ اگر بپذیریم مهر مالکیت بر قیمت کتاب خواهد افزود، چرا مهر دو مالک روی کتاب بخورد و نه مثلاً ۱۰ مالک؟ چگونه می‌توان ثابت کرد که مهر بر کتاب، مهر واقعی مالک نیست؟ و ... به هر صورت گمان می‌رود با انتشار این مطلب راه بحث در قیمت‌گذاری باز گردد و نظر استادان و کارشناسان اخذ گردد تا سرانجامی برای آن پیدا شود. فقط می‌دانم که مسکوت‌گذاشتن بحث کمکی بدان نخواهد کرد و نگرانی از سوءاستفاده نیز راه سوءاستفاده را نخواهد بست.

محسن جعفری‌مذهب

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کارشناسی و ارزیابی نسخه‌های خطی

[بعد از عنوان]

[...] چندی قبل، به ناچار و برای سامان دادن به مشکلات زندگی خود، بخشی از حاصل عمر خود را برای فروش به کتابخانه‌ای بزرگ و معتبر بردم. بماند که چند هفته از تحویل کتاب‌ها و دیگر مواد گذشت تا جلسه‌ای برگزار شد. سرانجام حاصل عمرم قیمت‌گذاری شد و ارزش آن را به من اطلاع دادند! من قیمت‌گذاری مزبور را نپذیرفتم. نه از آن رو که کم بود و ناعادلانه، بلکه از آن رو که نامتناسب و غیر کارشناسانه بود. می‌دانم و می‌دانیم که هر کدام از این کتاب‌ها در کشورهای خارج چقدر خریدار دارد و می‌دانم که قیمت‌گذاری در کتابخانه‌های بزرگ کشور، کمابیش یکسان است اما نه از آن رو که کارشناسان و شاخص‌های معینی دارند که قیمت‌گذاری را یکسان می‌سازد، بلکه از آن رو که کارشناس ندارند.

از مسؤولین آن کتابخانه دربارهٔ کارشناسان قیمت‌گذاری پرسیدم چند نام را گفتند که در اینجا ذکر نمی‌کنم، اما بعضی از آنان را می‌شناسم. کارشناسی که هم نسخه خطی کارشناسی می‌کند و هم چاپی، هم عکس قیمت‌گذاری می‌کند و هم نقشه؛ هم سند شناسایی می‌کند و هم صفحه گرامافون؛ هم مرقع خط می‌شناسند و هم اسلاید؛ هم ... و هم ... و شاید به همین دلیل است که در این زمینه حتی از همه کشورهای همسایه مان عقب‌تریم.

من که برای تهیه تک تک نسخه‌های خطی و اسناد، رنج‌ها برده و خرج‌ها کرده بودم می‌دانستم که ارزش آنها (نه واقعی، بلکه ارزش) بازاری این کتاب‌ها بسیار بیش از این بوده و هست.

در کتابخانه‌های مهم منطقه خاورمیانه و کشورهای همسایه بخش‌های خرید کارشناس خاصی برای این گونه خریدها دارند. هر گاه نسخه‌ای یا سندی و یا نقشه‌ای و یا ... به آنان عرضه می‌شود:

نخست نسخه‌شناس آن را از نظر کاغذ، مرکب، مهر، خط، جلد، صحافی، دوخت، چسب و غیره بررسی و سن تقریبی ماده مکتوب را مشخص می‌کند. در این راه حتی از روش‌های آزمایشگاهی، مانند تجزیه شیمیایی، رادیوگرافی، نسخه‌شناسی تطبیقی، ... نیز استفاده می‌شود. بدیهی است اگر جنس نسخه غیر از کاغذ بود کارشناس دیگری بدان می‌پردازد.

سپس نسخه نزد کتاب‌شناس فرستاده می‌شود تا مشخصات کتابشناسی اثر را تعیین کند. کتاب‌شناس با استفاده از آخرین فهرست‌های موجود در دنیا، قدمت نسخه و چندمین نسخه قدیمی بودن را تعیین می‌کند. همچنین درباره کامل یا ناقص بودن اثر و افتادگی‌های آن اعلان نظر می‌کند.

پس از آن کتاب نزد کارشناسی فرستاده می‌شود که با موضوع کتاب آشنایی و به آن تسلط دارد. او ارزش علمی کتاب و دقت نویسنده و کاتب را تشخیص می‌دهد. تعداد این کارشناسان به تعداد علوم شناخته شده و اصلی است.

اگر علاوه بر کتاب خطی، کتابی چاپی یا نقشه یا عکس یا دیگر مواد کتابخانه‌ای عرضه شود، کارشناسانی متناسب با آن مواد وجود دارند و ارزش‌گذاری بسیار منصفانه و متناسب خواهد بود.

متناسب از آن جهت که وقتی نشریه‌ای نایاب و قدیمی مثلاً به ۱۰۰ واحد پول قیمت‌گذاری می‌شود و نسخه‌ای خطی و جدید به ۲۰۰ واحد، معلوم است که بین دو قیمت‌گذاری تناسب معقولی وجود ندارد. البته نیازها و سیاست‌های کتابخانه‌ها با یکدیگر متفاوت و ممکن است برای یکی، خرید نسخه خطی اولویت داشته باشد و برای دیگری سند، نشریه یا اسلاید؛ اما پس از روشن شدن سیاست‌ها، باید بین مواد قیمت‌گذاری شده تناسب برقرار باشد.

هر چند استفاده از کارشناسان متعدد و روش‌های جدید نسخه‌شناسی کم خرج نیست، اما می‌توان این خرج‌ها را از فروشنده گرفت. در بسیاری از مؤسسات خریدار و فروشنده آثار ارزشمند، جهت کارشناسی آثار و اشیاء قدیمی، درصدی از قیمت ارزیابی شده را از صاحب اثر دریافت می‌دارند؛ اگر فروخت که فيها المراد و اگر نفروخت آن درصد را پرداخت می‌کند و گمان دارم بتوان از این راه خرج آن کارشناسان را تأمین کرد. کارشناسی که نام و تجربه خود را در این راه به کار می‌برد و پول آن را نیز می‌گیرد مسئولیت دارد که در اصالت و ارزیابی کوتاهی نکند. ارزیابی متخصص آگاه، هم به نفع فروشنده و هم به نفع خریدار است، زیرا هر دو به کار او اعتماد می‌کنند.

امیدوارم در کتابخانه‌های ما نیز قیمت‌گذاری مواد نفیس کتابخانه‌ای با کارشناسی صورت گیرد و زمینه‌ای برای خروج آنها به دست خود ما فراهم نشود. ان شاء الله.

رضا ابرار

* * *